

آگاهی از حقوق شهروندی و تأثیر آن بر مشارکت مردمی

کیومرث اوحدی نیا

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس تهران

kiomars.ohadi@modares.ac.ir

چکیده

در عصر حاضر جمعیت شهرنشینی در جهان رو به فزونی است. این امر در مورد کلان شهرها به وضوح قابل مشاهده است. حال آنکه ضروری است که شهرنشینان از حقوق خود تحت عنوان «حقوق شهروندی» مطلع باشند و بدانند در قبال این «شهرنشینی» چه وظایف، حقوق و مسئولیت هایی را دارند. در این مقاله سعی بر آن شده تا کاوشی نظری در باب مقوله شهروندی، حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در امور شهری و شهروند فعال صورت پذیرد و راهکارهایی جهت مشارکت بهتر و موثر شهروندان در مدیریت شهری ارائه گردد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و روش جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است. از جمله راهکارهایی که می توان برای افزایش سطح آگاهی شهروندان از حقوق و مسئولیت‌های خویش ارائه نمود، تشکیل شورایی‌ها و نهادهای محلی می‌باشد که سازمان‌هایی غیر دولتی و خودگردانند و هدف از تشکیل این سازمان‌ها، تشویق و ترغیب شهروندان به همکاری و مشارکت در امور شهری است. با تشکیل شورایی‌ها و نهادهای محلی می‌توان در راستای تبدیل نمودن شهروندان به «شهروند فعال» گام برداشت. «شهروند فعال» شهروندی است که در امور شهری مشارکت نموده و حضوری موثر و فعال در اجتماع خویش دارد و از این طریق بر مدیریت شهری نظارت می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: شهروند، حقوق شهروندی، مشارکت مردمی، شهروند فعال

مقدمه

از مشکلات مهم امروزی شهرهای ما، جمعیت زیاد شهرنشین و آگاهی پایین مردم از حقوق شهروندی خویش و حق نظارت بر نحوه مدیریت شهرهای خود، می باشد. همچنین از مهمترین وظایف مدیریت شهری، حفاظت از حقوق شهروندان است.^۱ در چنین شرایطی، اگر شهرنشینان به کمک دولت ها و حکومت ها نیامده و در حیات مدنی جامعه دخیل نگردند، خطر تمرکز امور، دور شدن از دموکراسی، کاهش کارایی، افزایش هزینه ها، یکسان سازی امور و کاهش خلاقیت و طراوت در زندگی شهری، به وجود خواهد آمد (UNESCO به نقل از عزت پور وهمکاران، ۱۳۸۸). شهروندی، از جمله مفاهیم مهمی است که به طور ویژه ای به عدالت و برابری توجه نموده و در نظریات مختلف جایگاه ویژه ای یافته است. مقوله «شهروندی» زمانی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق شهروندی مانند حقوق سیاسی و مدنی برخوردار شوند و همچنین به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. مردم و به خصوص اقشار کم درآمد از سطح آگاهی کمی نسبت به حقوق خود برخوردارند، نمی دانند که با انتخاب شورای شهر چه وظایف سنگینی برعهده این افراد می گذارند، نمی دانند که شورای شهر مسئول رسیدگی و نظارت بر هزینه ها و بودجه شهرداری ها می باشند و وظیفه ی آنها پایین آوردن قیمت گوشت و مرغ و یا آسفالت کردن کوچه هایشان نیست. در واقع حقوق شهروندی آمیخته است از وظایف و مسئولیتهای شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می شود. از موضوعات مهم دیگر، عدم تکافوی تعداد افراد شورای شهر می باشد. طبق ماده ۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب اول خرداد ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن، تعداد اعضای شورای شهر تهران (بیشترین تعداد) شامل ۳۱ نفر عضو اصلی و ۱۲ نفر عضو علی البدل می باشد؛ این درحالی است که مجلس به تازگی و در ۱۳ مهرماه سال ۱۳۹۴، طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران را به تصویب رساندند که مطابق ماده یک این طرح، تعداد اعضای شورای شهر تهران به ۲۱ نفر کاهش می یابد. آیا این تعداد اعضا به تنهایی می توانند به حقوق چندمیلیون نفر رسیدگی کنند؟ یا فقط می توانند به حقوق قشر خاصی از این مردم توجه نمایند. بنابراین اگر به تشکیل شوراهای ناحیه و محله اقدام شود و شوراباری هایی در سطح محلات شهر برپا گردد، به این ترتیب مردم می توانند از حقوق خویش آگاهی بیشتری کسب نمایند و با یک سلسله مراتب مشخص و منطقی صدای خود را به مدیریت شهری برسانند و از حقوق (نظارتی) خود بهره جویند. نهادهای محلی، سازمان های غیردولتی (NGOs)^۱ و تشکل های داوطلب محلی (CBOs)^۲ عناصر کلیدی هستند که بدون ایجاد این عناصر دستیابی به شوراهای محلی عملی نخواهد بود و در شرایط فقدان چنین عناصری، سطح آگاهی مردم از حقوق و مزایایی که به عنوان شهروند یک شهر به منظور دخالت در امور مدیریت شهری دارا می باشند، نه تنها پیشرفتی نخواهد کرد، بلکه روز به روز رو به افول خواهد بود و به این ترتیب سودجویان و فرصت طلبان از طریق اعمال قدرت و باتوجه به عدم نظارت مناسب، فرصت سوداگری در مدیریت شهری می یابند. آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، منجر به افزایش مشارکت آنها در امور شهری و حکمروایی خوب شهری می گردد. ایجاد شبکه های قوی مشارکتی در سطح شهر تنها از طریق پایگاههای محلی یا همان شوراباری ها امکان پذیر خواهد بود.

بیان مسأله

در عصر حاضر جمعیت شهرنیشینی در جهان رو به فزونی است. این امر در مورد کلان شهرها به وضوح قابل مشاهده است. اما افزایش جمعیت شهرنشین دلایل مختلفی دارد. عمده ترین این دلایل عبارتند از: افزایش طبیعی جمعیت، افزایش مهاجرت به

^۱ None Governmental Organizations

^۲ Community Based Organizations

شهرها، پیوستن روستاها و آبادی‌های اطراف یک شهر به شهر و در نهایت تبدیل شدن یک روستا یا آبادی به شهر. به غیر از مورد اول، در سایر موارد افرادی که به شهر آمده‌اند و «شهرنشین» شده‌اند، در واقع مشمول «حقوق شهروندی» گشته‌اند. حال آنکه ضروری است که افراد از حقوق خود تحت عنوان «حقوق شهروندی» مطلع باشند و بدانند در قبال این «شهرنشینی» چه وظایف، حقوق و مسئولیت‌هایی را دارا می‌باشند.

آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی، مبنای اجرای عدالت اجتماعی است و فقط در صورت آگاهی مردم از حقوقشان می‌توان به ایجاد و تثبیت امنیت و رفاه اجتماعی پایدار و مستمر امیدوار بود. بی‌اطلاعی از حقوق افراد و اهمال ورزیدن در مورد آن یا حقیر انگاشتن آن، یکی از مهمترین علل تیره روزی‌های عامه مردم و فساد حکومت‌ها است (UNESCO به نقل از عزت‌پور و همکاران، ۱۳۸۸). مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست. (سعیدینیا، ۱۳۷۹)

بنابراین در این مقاله سعی بر آن شده تا کاوشی نظری در باب مقوله‌ی شهروندی، حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در امور شهری و شهروند فعال صورت پذیرد و راهکارهایی جهت مشارکت بهتر و موثر شهروندان در مدیریت شهری ارائه گردد که از جمله این راهکارها، تشکیل شورایی‌ها و نهادهای محلی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

حقوق شهروندی و مشارکت مردمی، از جمله مباحثی هستند که در چند دهه اخیر در جهان توجه بسیاری را به خود معطوف داشته و مطالعات بسیاری را به خود اختصاص داده است. در کشور ما نیز در سال‌های اخیر از سوی سازمان‌های زیادی به ویژه نهادهای مدیریت شهری مطرح شده است و در این زمینه مطالعات خوبی صورت گرفته است.

صرافی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور» با تحلیل و تشریح مفهوم، پیشینه و خاستگاه شهروندی، جایگاه آن را در قوانین و مقررات شهری کشور واکاوی کرده و ارتباط آن را با مدیریت شهری تبیین کرده‌اند.

پورعزت و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله «رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمان‌ها» به بررسی حقوق شهروندی در منطقه ۳ شهر تهران پرداخته و رابطه‌ی فعال شهروندی و پاسخگویی و شفافیت شهرداری را بررسی کرده‌اند که یافته‌ها نشان می‌دهد افزایش آگاهی مردم، موجب مشارکت بیشتر آنها برای ادای تکالیف در امور شهری و توسعه شهروند فعال می‌شود و توسعه شهروند مشارکت‌جو و فعال موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی در عملکرد شهرداری می‌گردد.

خوئینی (۱۳۸۶) در کتابی با عنوان «حقوق شهری و توسعه پایدار» کوشیده تا جایگاه شوراها (نهادهای مردمی) را در شکل توسعه پایدار بیان نماید و اهمیت آنها را به عنوان مظهری از حقوق شهروندی و اهمیت جایگاه حقوق شهروندی در قانون اساسی کشور و منابع و مبانی حقوقی بازگو نماید. وی که سابقه دو دوره حضور در شورای اسلامی استان تهران را به عنوان رئیس این نهاد داشته، تلاش نموده تا حقوق شهروندی را در قالب توسعه پایدار بررسی نماید.

شیانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران: نگاهی بر مدیریت شهری» ضمن مروری تاریخی بر مفهوم شهروندی به وضعیت شهروندی در شهر تهران پرداخته که نتایج نشانگر آن است که مفهوم شهروندی برای نسبت قابل توجهی از افراد معنادار و قابل درک نبوده و آگاهی به حقوق، عمل به وظایف و برخورداری از احساس شهروندی با عوامل بازدارنده‌ای در جامعه مواجه است.

لطفی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان» به حقوق شهری و شهروندی و وضعیت آن در قوانین موجود پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت شهری می‌تواند با آموزش حقوق

شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش، اتخاذ رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفت‌وگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان، کارآیی، شفافیت و پاسخ‌گویی برای ارتقای حقوق شهروندان نقش آفرینی کند.

زیاری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری» با هدف سنجش میزان آگاهی عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری و با تحلیل محتوایی گزیده‌ای از قوانین و مقررات، با استفاده از مطالعات میدانی به سنجش میزان آگاهی شهروندان این شهر پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میزان آگاهی جامعه آماری پیرانشهر در زمینه حقوق شهروندی و قوانین شهری در سطح پایینی است و شاخص مذکور (آگاهی) با شغل افراد ارتباط معناداری دارد، اما تحصیلات دانشگاهی افراد بر این شاخص تأثیر خاصی نداشته است. مجموعه این عوامل نشانگر آن است که بیشتر افراد آگاه به صورت تجربی و در جریان درگیری‌های حقوقی با بخش‌های مختلف شهرداری، یا در اثر فعالیت در مشاغل مرتبط با امور شهری، آگاهی لازم را به دست آورده‌اند.

کلانتری، عبدالحسین و فلاحی گیلانی (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان «نوشتارهایی در باب مشارکت و حقوق شهروندی» که به سفارش مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران تهیه و چاپ گردیده، هدف از این کتاب را شناخت، توصیف و تبیین مسائل اجتماعی شهر تهران می‌داند. این کتاب که در شانزده نوشتار جداگانه توسط افراد مختلف نوشته شده، در بخشی از آن به مسأله شهروندی و شهروند فعال پرداخته و سیر تکاملی شهروند را در دوران پساملی جست و جو می‌کند و بخش دیگر آن به مفهوم مشارکت و ضرورت توجه به آن می‌پردازد. در این مطالعه به منظور بررسی میزان فعال بودن شهروندان تهرانی، داده‌های مندرج در گزارش‌های سال ۱۳۸۷ عملکرد مناطق در سامانه ۱۳۷ و ۱۸۸۸ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شهروندی فعال در حوزه مدیریت شهری وضعیت مناسبی ندارد. اما به طور کلی یک الگوی تماس براساس نقشه مناطق نشان می‌دهد که هرچه از شمال به جنوب نزدیک می‌شویم، تعداد تماس‌های انتقادی کاهش می‌یابد، به طوری که داده‌ها نشان می‌دهد که مناطق ۱، ۲ و ۳ در رتبه اول قرار دارند و مناطق ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ کمترین تماس را با سامانه‌ی نظارت همگانی دارند.

روش تحقیق

انتخاب روش انجام تحقیق رابطه‌ای تنگاتنگ با هدف‌ها و ماهیت موضوع مورد پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد (آسایش و مشیری، ۱۳۸۹). بنابراین این پژوهش در زمره پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد و روش یافته‌اندوزی پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای می‌باشد، چرا که به توصیف و تحلیل حقوق شهروندان و رابطه آن با مشارکت در امور شهری می‌پردازد.

مبانی نظری

مشارکت مردمی

در اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی، پل دیویدف وکیل و برنامه‌ریز، به منظور ارتقای دموکراسی مشارکتی و تغییرات مثبت اجتماعی برای غلبه بر قدرت و تبعیض نژادی و کاهش نابرابری میان ثروتمندان و فقرا، برنامه ریزان را به چالش کشید. دیویدف همواره از برنامه ریزان می‌خواست حامی آنچه باشند که باور دارند صحیح است. او نشان داد حمایت به عنوان راهی برای توانمندسازی همه گروه‌های جامعه به ویژه سازمان‌های حامی خانواده‌های کم درآمد است. (شرفی، رشیدی فر و برک پور ۱۳۸۷)

نتیجه چنین نگرشی، توسعه اعتماد عمومی در سطح جامعه است. این نکته از آن جهت حائز اهمیت بوده که نادیده انگاشتن آن غالباً منجر به سردرگمی، بی‌توجهی و خشونت شهروندان و شکسته شدن و ویرانی هنجارهای جامعه خواهد شد. اعتماد عمومی تنها نتیجه مهم مشارکت مردمی نیست. این دیدگاه همچنین منجر به قانون‌گرایی، آگاهی جامعه، تصمیم‌سازی صحیح و الگوی اصلاح شده قدرت سیاسی می‌شود، زیرا مشارکت بخش مکمل نظریه دموکراسی و وجه ضروری قانون‌گرایی است. مشارکت میزان درک عمومی نسبت به موضوعات را از طریق توجه و درگیری آنان در مسائل افزایش می‌دهد. مشارکت همچنین با دخیل نمودن سطح وسیع‌تری از علایق و جستجو نمودن راه‌حل‌های عام‌تر، تصمیم‌سازی را اصلاح کرده و بهبود می‌بخشد. (Wang and Wart, 2007)

از جمله نظریه‌هایی که در باب مشارکت مردمی است، نظریه معروف نردبان مشارکت ارنشتاین (۱۹۶۹) است که در سال ۱۹۹۴ توسط بورنز، نظریه «نردبان مقتدر سازی شهروند» بر پایه دیدگاه وی به شرح زیر ارائه شد:
جدول ۱- نردبان مقتدرسازی شهروند، مأخذ: شیانی، ۱۳۸۴

وابستگی متقابل و نظارت سپرده شده و نظارت تفویض شده	نظارت شهروند
همکاری نظارتی، عدم تمرکز محدود، تصمیم‌گیری موثر، هیات مشورتی	مشارکت شهروند
اطلاع‌رسانی ضعیف و مشاوره ظاهری، جنجال عمومی	عدم مشارکت شهروند

در این طرح، پایین‌ترین پله نردبان مبین جنجال عمومی و مشاوره ظاهری و اطلاع‌رسانی ضعیف است که عدم مشارکت شهروند را به دنبال خواهد داشت در پله بعدی نیز، اهمیت به اطلاع‌رسانی به مشتری، مشورت به دو صورت کیفیت بالا و هیات مشورتی واقعی ملاحظه می‌شود و نتیجه این اهمیت منجر به عدم تمرکز محدود و تصمیم‌گیری موثر و همکاری نظارتی می‌گردد که این خود بیانگر مشارکت شهروندان است و در رده آخرین پله نردبان نظارت شهروند و تفویض آن وابستگی متقابل را به وجود می‌آورد (شیانی، ۱۳۸۴)

هوایی‌زن مشارکت مردمی را دخالت دادن مردم در زمینه‌هایی از توسعه و طرح‌ریزی شهری می‌داند که به عموم شهروندان مربوط می‌شود. در واقع مفهوم صحیح مشارکت مردمی یعنی "مشارکت مردم در ایجاد، اصلاح و همچنین اداره امور محله و محیط مسکونی خود". (حبیبی و سعیدی رضوانی ۱۳۸۴) قسمت آخر تعریف مذکور در واقع نقطه برخورد اصل مشارکت مردمی با مدیریت شهری می‌باشد. مردم اگر در محله‌ای زندگی می‌کنند، باید در اداره امور و نحوه مدیریت منابع آن محله نیز دخالت داشته و بتوانند در تصمیم‌گیری‌های مهم مربوط به امور محله شرکت کنند.

به طور کلی با مرور تعاریف متعددی که از مشارکت مردمی وجود دارد می‌توان چنین نتیجه گرفت که این تعاریف دست کم دارای ویژگی‌های زیر هستند: (Creighton, 2005, 7)

- ✓ مشارکت عمومی فقط به معنای آگاه ساختن مردم نیست، بلکه تعاملی است دو طرفه میان سازمان‌های تصمیم‌ساز و مردمی که می‌خواهند مشارکت کنند.
- ✓ مشارکت مردمی یک فرایند سازمان یافته برای درگیر نمودن مردم است، امری تصادفی و اتفاقی نیست.
- ✓ مشارکت‌کنندگان سطوح متفاوتی از تأثیر بر روی تصمیمات دارند.
- ✓ مشارکت مردمی در تصمیمات دولتی که غالباً بنگاه‌ها و گاهی سازمان‌های خصوصی می‌گیرند، به کار برده می‌شود.

عوامل موثر بر مشارکت مردم

برای دستیابی به مشارکت مردمی به وجود مجموعه‌ای از عوامل نیاز است که به نظر موشی^۱ مهمترین آنها عبارتند از:

^۱ Mushi



الف. اعتقاد به مشارکت: قبل از مشارکت باید اخلاق دموکراتیک در جامعه نهادینه شده و به عنوان فرآیندی پویا در جامعه واقعیت پیدا نماید. فقدان اعتقاد به مشارکت مهمترین مشکل مشارکت در کشورهای جهان سوم است. در این کشورها قدرت در دست نخبگان سیاسی، اقتصادی و محلی است. در این صورت امکان مشارکت مردم و ایجاد دموکراسی در جامعه فراهم نبوده است. لذا اولین قدم تقسیم قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین مردم است. برای ایجاد باور عمومی به مشارکت، باید سه اقدام صورت گیرد:

- تقسیم عادلانه قدرت بین مردم: بدون تقسیم عادلانه قدرت سیاسی و اجتماعی امکان مشارکت گروه‌های ضعیف در جامعه وجود ندارد.

- ایجاد روحیه خود اتکایی در مردم: فهم مشارکت فقط با تشویق به خود اتکایی و افزایش اعتماد به نفس در مردم انجام می‌شود. تغییر گرایش مردم در این راستا ضرورتی حیاتی برای مشارکت و توسعه است.

- اقدامات گروهی و تشکیل انجمن: گروه‌های ضعیف جامعه به صورت فردی، خود را ناتوان در مشارکت در طرح‌ها می‌بینند، اما هنگامی که به صورت گروهی وارد عمل می‌شوند، تمایل بیشتری به مشارکت دارند.

ب. بعد سازمانی مشارکت و وجود موسسات مشارکتی: اولین مسأله بعد از ایجاد باور عمومی به مشارکت، ایجاد موسسات مشارکتی است. این موسسات یک هدف عمده دارند و آن تعامل قدرت در سطوح بالا و گسترش آن در سطوح پایین جامعه است. نقطه شروع چنین حرکتی تمرکز زدایی است که معمولاً با مخالفت‌هایی از طریق ساختار مدیریتی بالادست روبه‌رو می‌شود. تاسیس سازمان‌های مردم نهاد و شرکت‌های تعاونی تحت کنترل خود مردم، عامل مهمی در گسترش مشارکت مردمی است.

ج. فراهم نمودن اطلاعات کافی و ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی: بدون وجود اطلاعات فنی حتی اگر موسسات مشارکتی باشند، مشارکت اتفاق نمی‌افتد. دو نوع اطلاعات مورد نیاز مردم در فرآیند مشارکت به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱. اطلاعات فنی: این اطلاعات شامل مهارت‌ها و مسائل گوناگونی است که مردم باید برای اجرای یک پروژه ویژه بدانند. اطلاعاتی که به طور عموم به مردم کمک نمایند تا محیط اطراف خود را بهتر بشناسند و ظرفیت‌های خود را برای حل مسائل بدانند. کارایی این اطلاعات به سطح سواد جامعه بستگی دارد.

۲. اطلاعات مدیریتی: این اطلاعات متضمن این است که مردم چگونه و چه وقت باید در پروژه‌ها مشارکت کنند و آنها را اجرا نمایند. اطلاعات مدیریتی شامل اطلاعاتی است که به نظارت و اجرای پروژه کمک می‌کند. اکثر پروژه‌ها به علت فقدان اطلاعات کارکردی و مدیریتی با شکست مواجه می‌شوند.

د. دسترسی به منابع فنی و اعتباری: علاوه بر مواردی که به آنها اشاره شد، برای مشارکت، به نیروی انسانی و بودجه کافی نیاز است. در بسیاری از موارد مردم باید به درجاتی از توانایی مادی برسند تا بتوانند در فعالیتی مشارکت نمایند. برای سوق دادن مردم به مشارکت، عواملی چون تحرک بخشیدن به سرمایه‌های راکد در سطح خرد و کلان، سهولت پرداخت وام، آموزش، نظارت و راهنمایی مسئولانه و تامین اعتبارات نقش مهمی ایفا می‌کند. تماس دائم با مردم، استفاده از آموزش بزرگسالان در ایجاد حس مسوولیت‌پذیری و مشارکت تاثیر مهمی دارد:

✓ قبل از هر چیز به نیازهای مردم شهری توجه شود.

✓ اولویت‌بندی نیازها و نظرخواهی از مردم درباره اولویت‌ها. (غفاری و جمشید زاده، ۱۳۹۰)

شهروندی^۱

شهروندی همانطور که روشن است از مشتقات شهر^۲ است. شهروندی را قالب پیشرفته «شهرنشینی» می‌دانند. «شهروند» فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی را برعهده دارد. این رابطه را «شهروندی» گویند.^۳ (خوئینی، ۱۳۸۶)

در یک جامعه فردی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گذار دولت نباشد بلکه از حقوق «فطری» و «طبیعی» نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آنها حمایت کند. نظریه‌هایی که منشأ دولت را حقوق طبیعی افراد می‌دانند، علت وجودی دولت را حمایت از حقوق طبیعی شهروندانش دانسته‌اند. (آشوری، ۱۳۸۳)

مارشال بر آن است که شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند داده می‌شود. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند. (Friedmann, 2002) ریتزر به بررسی روند تاریخی این مفهوم می‌پردازد و معتقد است که شهروندی مدرن حائز چهار بعد حقوق، تکالیف، مشارکت و هویت است. (Ritzer, 2005)

صرافی در تعریف مفهوم شهروندی، چنین بیان می‌کند که شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری عدالت و استقلال دلالت دارد. شهروندی جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت با سه نوع حق، شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی همراه است. شهروندی منزلتی را نشان می‌دهد که با قانون اعطا می‌شود. در عین حال، این مفهوم نشان می‌دهد که اشخاص به اعتبار جایگاه‌شان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوقی هستند. بر اساس این رویکرد، چون افراد در زندگی مشترکی سهیم می‌شوند، پس دارای حقوق و وظایفی نیز هستند. از این رو به سبب همان زندگی مشترک، خواه در فعالیت اقتصادی یا امور فرهنگی و تعهد سیاسی، همگان از لحاظ اخلاقی نسبت به یکدیگر وظایفی دارند. شهروندی در واقع شرایط عضویت در واحدی سیاسی (معمولاً دولت ملی است که از حقوق و امتیازات ویژه کسانی محافظت می‌کند که وظایف معینی را انجام می‌دهند. شهروندی بیش از آنکه نظریه باشد، مفهومی است که به شرایط مشارکت کامل در یک جامعه رسمیت می‌دهد. مفهوم شهروندی معرف نقطه اتصالی میان جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. (صرافی، ۱۳۸۷)

نظام‌های مدیریتی جهان برای تکامل خود مسیری را از مدیریت یک‌جانبه‌گرایانه و یک‌سویه به مدیریتی طی کرده‌اند که در آن سیاست‌ها و شیوه‌های مدیریتی مبتنی و متکی بر خواسته‌های شهروندان باشد؛ زیرا در بحث مدیریت شهری، شهروند اساساً عضوی از یک جامعه شهری است که انتظار استفاده از خدمات و تسهیلات و حقوق شهروندی را دارد (Turner, 2006). در زمینه مفهوم شهروندی برداشت مدیران شهری و مقامات محلی، شهرداران، اعضای شوراهای اسلامی، اعضای احزاب و تشکل‌های سیاسی، نمایندگان مجلس (کنشگران جمعی و مطبوعاتی) از این مفهوم حائز اهمیت می‌باشد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰) که تحقق مفهوم شهروندی در واقع بسته به تعریف، بستر و زمینه شکل‌گیری آن است که صورت می‌پذیرد.

حقوق شهری^۳

در سیستم‌های امروزی از سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی گرفته تا سیستم‌های فرهنگی و سیاسی، قوانین و مقررات تعیین‌کننده روابط، تعاملات و سطوح عملکردی و جایگاه هر بخش و نهادی بوده و هستند. در سیستم پیچیده شهری نیز حقوق شهری همین عملکرد را داراست. (قرخلو و عمرانزاده، ۱۳۸۴)

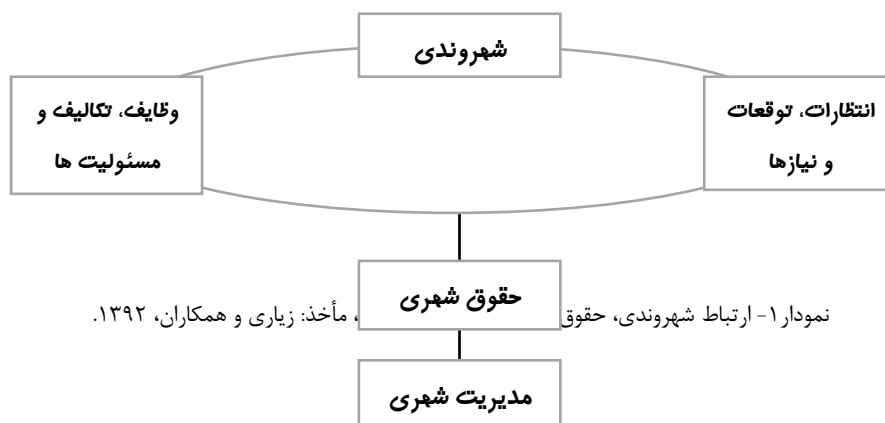
^۱ Citizenship

^۲ City

^۳ Urban Rights

از منظر حقوق دانان حقوق شهری، شاخه‌ای از حقوق عمومی و تنظیم‌کننده روابط شهروندان و مدیران شهری است. در تعریفی خاص‌تر، شاید اصطلاح مزبور را به مجموعه قوانین و مقرراتی اطلاق کنند که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی‌مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند. حقوق شهری از آنجا که شاخه تنومندی از حقوق عمومی است، با حقوق به معنای عام آن سر و کار دارد و حقوق به مثابه قوانین و مقررات را تنها برای ضمانت اجرایی به خدمت می‌گیرد. بخشی از این حقوق که ناظر به ضمانت اجرایی است، زیر عنوان قوانین، مقررات و ضوابط شهری^۱ قرار می‌گیرد که باز قسمتی از آن نیز در حوزه حقوق شهرداری^۲ می‌باشد (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸). به سخن دیگر حقوق شهری عبارتست از مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر اجرای نظامات شهری و منطقه‌ای جهت تامین نیازمندی‌های مشترک محلی از طریق ایجاد اداره و موسسات عمومی (پایگاه اطلاع‌رسانی معماری و شهرسازی ایران، خرداد۱۳۸۸)

حقوق شهری که موضوع آن روابط مردم شهر با شهرداری، حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر، اصول، اهداف، وظایف، روش انجام کار و همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر است را می‌توان به عنوان یکی از شاخه‌های منشعب از حقوق اساس اداری و جزء زیرمجموعه حقوق داخلی محسوب نمود. در نهایت می‌توان چنین تعریف نمود که "حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی‌مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند" (کامیار، ۱۳۸۷).



حقوق شهروندی

مارشال در مقاله خود سه نوع حق را برای شهروند تشخیص داده که عبارتند از «حقوق مدنی»، «حقوق سیاسی» و «حقوق اجتماعی» و اینگونه توضیح می‌دهد:

حقوق مدنی به حقوق فرد در قانون اطلاق می‌شود. این حقوق شامل امتیازاتی است که امروزه آن را بدیهی می‌شمارند اما بدست آوردن آنها زمانی دراز طول کشیده است. حقوق مدنی شامل آزادی افراد برای زندگی در هر جایی که انتخاب می‌کنند، آزادی بیان و مذاهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.

دومین نوع حقوق شهروندی حقوق سیاسی است. به ویژه حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن. که این حق نیز روندی تکاملی را سیر کرده بدین ترتیب که در کشورهای اروپایی ابتدا حق رأی به اقلیتی ثروتمند محدود می‌شد، سپس به کلیه مردان تعمیم یافت و با جنبش‌های مختلف زنان، این حقوق به کلیه مردم بسط داده شد. اکثریت جمعیت تنها با از میان رفتن استعمار در قرن بیستم حقوق سیاسی و مدنی خود را به دست آوردند.

^۱ Urban Law

^۲ Municipal Law



سومین نوع حقوق شهروندی، حقوق اجتماعی است. این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود و این حقوق شامل مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل سطح دستمزد است. به سخن دیگر حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می‌شود و می‌توان چنین افزود که تقریباً آخرین حقوقی است که بعد از حقوق سیاسی و مدنی پدید آمد. (Marshall, 1973)

آنتونی گیدنز چنین بیان می‌کند که "امروزه گسترش حقوق اجتماعی اساس آن چیزی است که دولت رفاه نامیده شده، دولتی که تنها از جنگ جهانی دوم به بعد در جوامع غربی پا گرفته است" (گیدنز، ۱۳۸۲)

ترنر شهروندی را بجای تعریف در چارچوب حقوق و تعهدات، آن را به صورت فرایند تصور می‌کند و شامل دو فرایند برخورداری و فرایند محرومیت می‌داند. فرایند برخورداری از طریق باز تخصیص منابع، موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می‌گردد و فرایند محرومیت از طریق ساخت یک هویت مشترک، دیگران را از مزایای شهروندی محروم می‌سازد. شهروندی، یک مجموعه از فرایندها درباره تخصیص استحقاقات، تعهدات، مصونیت‌ها در درون یک اجتماع سیاسی است. بنیان‌های استحقاق مؤثر شهروندی در انجام خدمات کار، جنگ و تشکیل خانواده است. ترنر سه شهروند فراملی و به تبع آن سه نوع حقوق را مطرح می‌کند.

☞ شهروند محیطی: حق نسبت به داشتن یک محیط پاکیزه و تمیز

☞ شهروند بومی: بومیان هر کشور به عنوان شهروند درجه دوم محسوب نشوند و مهاجران و بومیان از بهداشت، تحصیلات و مشارکت سیاسی برخوردار باشند.

☞ شهروند فرهنگی: حقوق فرهنگی مربوط به زبان، سهیم بودن در میراث فرهنگی و هویت مذهبی می‌باشد. (Turner,

2001)

اما ژانوسکی شهروندی را این چنین تعریف می‌کند: «شهروندی عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت - ملت با حقوق و تعهدات همگانی در یک سطح مشخص شده‌ای از برابری می‌باشد.» ژانوسکی با انتقاد به نظریه مارشال و ترنر به اینکه آنها با پذیرش مدل سه‌تایی، حقوق غیر متجانس را با هم یکی کرده‌اند و در مواجهه با حقوق چانه زنی جمعی، حقوق مشتری، شورای کارگران مشکلاتی را تجربه می‌کنند، یک مدل چهارتایی ارائه می‌دهد:

۱. حقوق قانونی

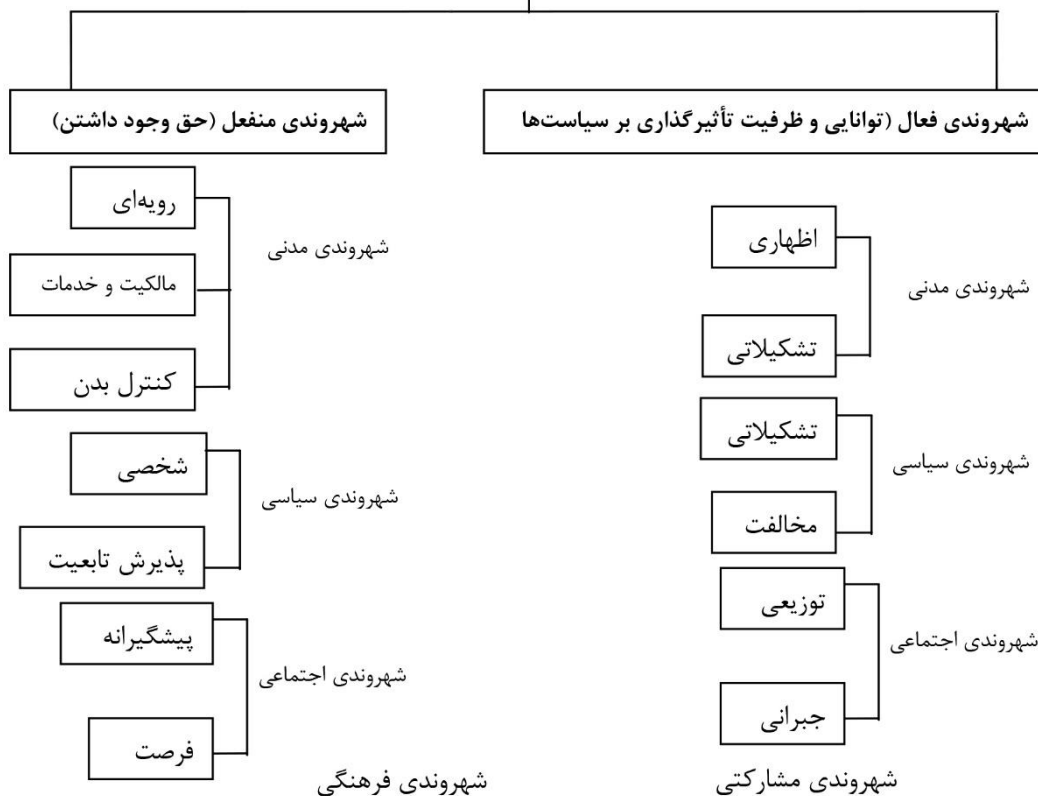
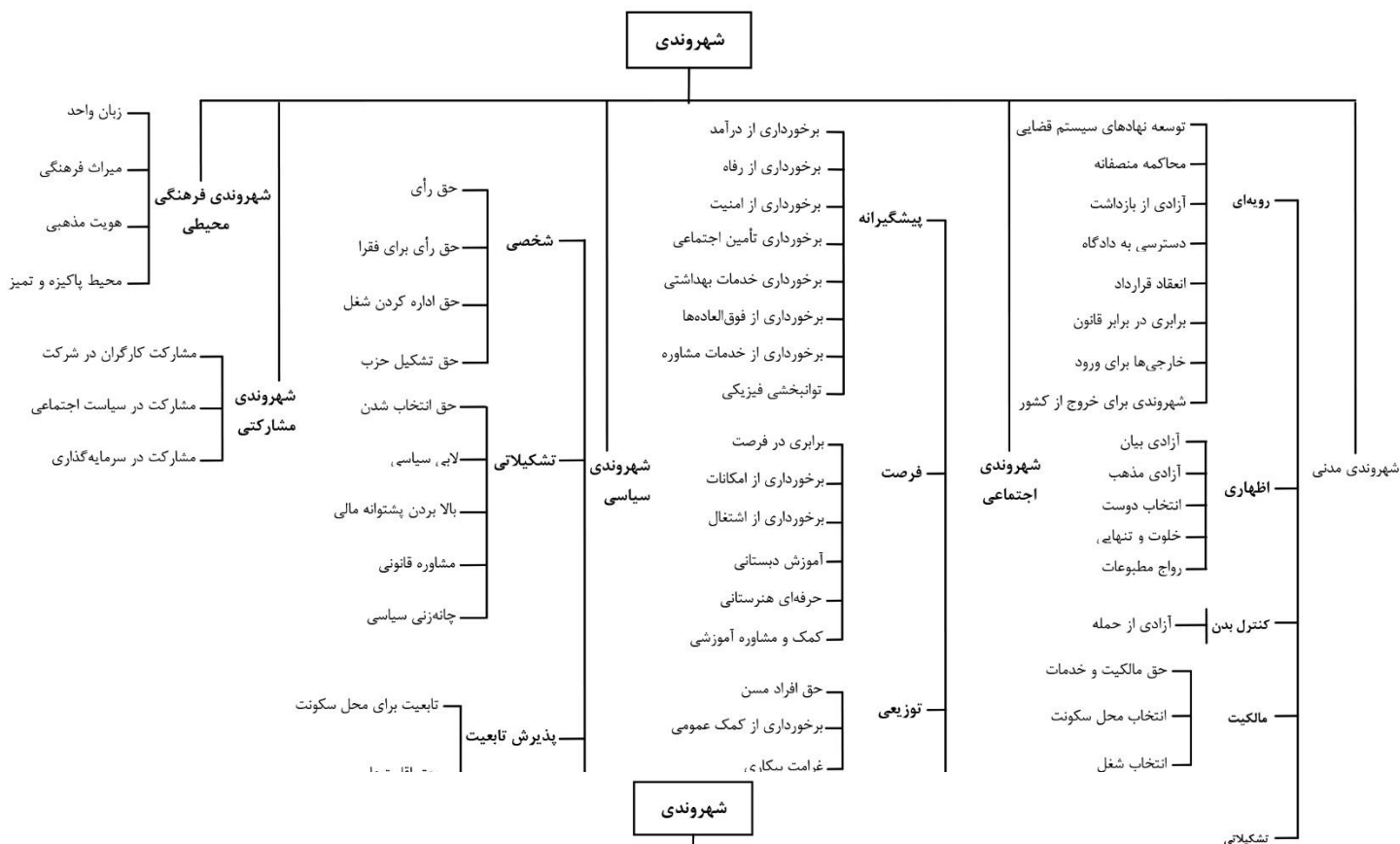
۲. حقوق سیاسی

۳. حقوق اجتماعی

۴. حقوق مشارکت

وی حقوق مشارکت را چنین توصیف می‌نماید: «حقوق مشارکت شامل حقوق مربوط به مداخله در بازار کار، حقوق مربوط به بوروکراسی، شرکت و حقوق سرمایه است» و معتقد است با افزودن حقوق مشارکت به سه‌تایی حقوق شهروندی، می‌توان بهتر به تحلیل حقوق شهروندی در کشورهای مختلف پرداخت. (Janoski, 1998)

در ادامه از نظریه‌های تلفیقی مارشال، ژانوسکی و ترنر استفاده و دو مدل تحلیلی ساخته شده است. مدل تحلیل اول براساس طرح تلفیقی مارشال، ژانوسکی و ترنر و مدل تحلیل دوم براساس طرح ژانوسکی مبنی بر شهروندی فعال یعنی توانایی و ظرفیت تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و شهروندی منفعل یعنی حق وجود داشتن، تهیه شده است که در ذیل دو نمودار آورده شده‌اند.



ملزومات حقوق شهروندی

دستیابی به حقوق شهروندی به خودی خود میسر نخواهد شد و برای رسیدن به آن، مدیریت شهری نیازمند رعایت نکات و ملزوماتی در چارچوب خود است. این ملزومات عبارتند از:

۱- برای تحقق حقوق شهروندی باید به عوامل فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی در جامعه توجه شود. هر کدام از این عوامل به سهم خود در تحقق حقوق شهروندی تاثیرگذار هستند. اگر به زمینه‌های تاریخی توجه نشود، یا نگرش‌های مذهبی حاکم در قدرت و جامعه دیده نشود، یا به ساختار سیاسی قدرت یعنی فردی بودن حکومت یا دموکراتیک بودن آن اهمیت داده نشود، نمی‌توان انتظار داشت صرف اشاره یا توجه به حقوق شهروندی در قانون اساسی، تضمین‌کننده این حقوق در جامعه باشد.

۲- جوامع توسعه‌یافته دوره‌ایی از توسعه‌یافتگی را پشت سر گذاشته‌اند که در این دوره زمینه‌ها و عوامل برای توسعه‌یافتگی هماهنگ و هم‌جهت شده‌اند. به همان میزان که به رشد اقتصادی توجه شده به اصلاح ساختار سیاسی نیز توجه شده است. همین‌طور به کنترل جمعیت و مساله محیط‌زیست. همچنان که به افزایش رفاه اقتصادی شهروندان اهمیت داده شده به حق رای، حق دادخواهی عادلانه و منصفانه، حق برخورداری از آزادی بیان و حق تشکیل انجمن‌ها و نهادهای غیردولتی نیز به همان اندازه توجه می‌شود. اما در کشورهای درحال توسعه، هم‌جهتی زمینه‌های پیشرفت کم‌رنگ بوده یا درحال طی کردن راه‌های سخت و پرفراز و نشیب است.

شاید بتوان گفت بخشی از زمینه‌های توسعه با فرآیند جهانی شدن در حال آماده‌شدن است اما بخش دیگری از زمینه‌های توسعه که مربوط به قدرت، ساخت سیاسی و نوع حکومت، حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است روند ناهمگون و کندی را طی می‌کند. همه این عوامل به‌نوبه خود بر پیشرفت و نتیجه‌بخش شدن توسعه تاثیر عمیق‌تری برجای می‌گذارند.

۳- شهروند به عنوان یکی از عوامل مهم تاسیس دولت و حکومت است بنابراین به حقوق شهروندی باید از این مقوله نگریست. به اصطلاح همان‌گونه که شهروندان در فرمان‌برداری سهیم هستند باید در حکمرانی هم سهیم باشند. در چنین فرآیندی حقوق شهروندی پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است، بنابراین جامعه ما نیازمند اصلاح نگرش نسبت به مفهوم حقوق شهروندی است. این اصلاح نگرش هم از درون قدرت و از بالاست و هم از پایین و از درون جامعه و در روابط بین شهروندان عملی می‌شود. از جمله راه‌های تحقق حقوق شهروندی تقویت نهادهای مدنی است. در این صورت دولت نباید نهادهای مدنی را که در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فعالیت می‌کنند به دیده مزاحم نگاه کند. (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸)

۴- و از جمله نکات مهم و قابل توجه، افزایش آگاهی شهروندان از حقوق مختلف خود در شهر می‌باشند. شهروندان باید مطلع باشند که چه حقوقی دارند و چه مسئولیت‌هایی در قبال داشتن حقوق شهروندی متوجه آنان است. مطلع نمودن شهروندان از حقوق خویش با آموزش‌های شهروندی در پایگاه‌های فرهنگی (فرهنگسراها و...)، سرای محله‌ها و آموزش‌های همگانی از طریق رسانه‌ها میسر می‌شود که وظیفه آگاه‌سازی و آموزش‌های لازم برعهده شهرداری و شورای اسلامی شهر می‌باشد.

۱-۱- مشارکت مردمی و حقوق شهروندی

در دانشنامه سیاسی آمده است که رواج مفهوم مشارکت در دو دهه اخیر از آنجاست که به نظر منتقدان، بزرگی و پیچیدگی جامعه توده‌ای جدید و رشد بوروکراسی و تمرکز قدرت اقتصادی پایه ضمانت‌های سنتی دموکراسی و نظام پارلمانی را برای حفظ حقوق افراد سست کرده است و این ضمانت‌ها باید تقویت و گسترده‌تر شود. ضرورت این امر از آنجاست که سرنوشت افراد و حقوق آنها در دست‌های نامرئی اداری و سیاسی، اقتصادی افتاده است که افراد از چند و چون تصمیم‌گیری‌های

آنها بر زندگی‌شان بی‌خبرند و گاه قربانی آن می‌شوند. سازمان‌ها و نهادهای سنتی دموکراسی نیز اغلب بازیچه دست این قدرت‌های نامرئی‌اند. از این‌رو، تنها مشارکت مستقیم افراد در تصمیم‌گیری‌هایی که به نام دولت، مقام‌های محلی و یا دستگاه‌های بزرگ و غیره شخصی اقتصادی گرفته می‌شود، می‌تواند حقوق و آزادی‌های آنان را از گزند کارها و تصمیمات گروه‌های کوچک و دور از دسترس و اغلب ناشناس در امان دارد. (آشوری، ۱۳۸۳)

جوهره اصلی مشارکت در حقوق شهروندی این است که آحاد ملت در تعیین سرنوشت خود از ریز تا کلان امور مشارکت داشته باشند. وقتی چنین امری در جامعه تحقق یافت، یک نظام مردم سالار در آن شکل می‌گیرد و حاکمیت ملی که عامل جمع اراده‌های ملت است، تحقق می‌یابد. (خوئینی، ۱۳۸۶)

این نظریه امروزه در غالب حق رأی جامعه در انتخاب مسئولان کشور از مقام‌های محلی گرفته تا عالی‌ترین مقام‌های اجرایی عینیت می‌یابد و در غالب رفتارندوم هم در مورد مسائل کلان و مهم کشور حضور خود را ابراز می‌دارد. روشن است در یک جامعه مردم سالار حفظ حاکمیت ملی و نظام مردم سالار همان قدر ارزشمند است که ایجاد آن نظام دارای ارزش است. بنابراین در این نظام رأی دادن هم یک رأی هست و هم یک تکلیف؛ ولی در مقام عمل، امروزه حق رأی در جوامع بشری دارای نظام مردم سالار یک حق تلقی شده و مردم از آن حق برخوردارند اما در مقام اعمال این حق و رأی دادن بیشتر به عنوان یک مسئولیت اخلاقی عملی می‌گردد تا مسئولیت قانونی. (همان)

۱- مسئولیت‌پذیری شهروندان در قبال آگاهی از حقوق خویش

آگاهی شهروندی، به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان، و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تعهداتشان است. آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار، و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار گشته و مثمر ثمرتر گردد. شناخت امکانات موجود در سطح شهر برای رفاه شهروندان، آشنایی با وظایف، اهداف و مأموریت‌های شهرداری، و نیز آشنایی با وظایف هر یک از واحدهای زیرمجموعه این نهاد و سازوکارهای استیفای حقوق در آنها، شهروندان را در بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفاه و پیشرفت، یاری خواهد کرد. آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، زمینه انجام وظایف دوجانبه را فراهم می‌کند و باعث پاسخ‌خواهی و حساب‌کشی شهروندان از مدیریت شهری خواهد شد. (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸)

در واقع «آگاهی» است که «مسئولیت» ایجاد می‌کند. زمانی که مردم بدانند حق انتخاب دارند، حق بازپرسی دارند، حق این را دارند که از بودجه و هزینه‌های شهرداری مطلع شوند، بدانند که می‌توانند بپرسند که این بودجه صرف چه اقداماتی شده و هزینه‌های کلی و جزئی این پروژه چه میزان است؛ آن موقع است که در قبال آگاهی از این حقوق، مسئولیت‌هایی را بر عهده می‌گیرد و وضعیت اداره امور شهر را پی‌گیری می‌نماید. آن زمان است که «شهروند» به «شهروند فعال» مبدل می‌گردد. بنابراین شهروندان زمانی می‌توانند حضور موثر و فعال در مدیریت شهری و اداره امور شهر خویش داشته باشند که از آگاهی مناسبی از حقوق و مسئولیت‌های خود در قبال جامعه برخوردار باشند.

۲- شورایاری‌ها، نهادهای آگاهی‌رسان

تشکیل و تقویت جامعه مدنی در گرو اعتلای نقش «اجتماع محلی» است؛ که با تشکیل انجمن‌ها، شوراهای و تشکل‌های مردمی محقق می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸). با توجه به تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر مشارکت فعال در اداره امور شهر، لازم است تا به راهکارهای افزایش آگاهی شهروندان توجه ویژه شود. در واقع افزایش آگاهی شهروندان از امور شهری و مدیریت شهر، برعهده شورای شهر می‌باشد، بدلیل مقیاس کلانشهرها و گستردگی آنها، شورای شهر-به دلیل تعداد اعضای محدود- نهادی کافی برای اطلاع رسانی و ایجاد آگاهی‌های مورد نیاز نمی‌باشد. "شوراهای شهر در ایران در انجام رسالت خود دچار چالش‌هایی نیز شدند از این رو برای حل مسائل شهری در محلات اقدام به تشکیل انجمن‌های محلی نمودند، شورایاری مصداق

بارز این حرکت است. ایجاد شورایی‌ها نقطه عطفی در نهادینه‌شدن مشارکت شهروندی است، زیرا این نهاد غیر دولتی، آزاد و داوطلبانه به عنوان واسطه‌ای میان شهروندان و مدیران شهری وارد عرصه سیاسی- اجتماعی شدند. شورایی‌ها با ترمیم نابرابری‌های اجتماعی، خدماتی، محل فرصت بروز توانمندی‌ها، ظرفیت‌های شهروندی، احقاق حقوق شهروندان کاهش تصدی‌گری دولت و صرفه‌جویی‌های اقتصادی هستند. در واقع شورایی‌ها زمینه‌های گذار از دولت‌گرایی به شهروندمداری را فراهم می‌کنند" (غفاری و جمشیدزاده ۱۳۹۰). در واقع گذار از حکومت شهری^۱ به حکمروایی شهری^۲ طی دو دهه گذشته، و جایگزینی مدیریت شهری و برنامه‌ریزی از بالا به پایین به مدیریت محلی و برنامه‌ریزی از پایین به بالا، نمود بارز «شهروندمداری» می‌باشد.

بند ۷ از ماده ۷۱ قانون وظایف شوراهای شهر، به تشکیل انجمن معتمدان محله (شورایی) اشاره نموده است. در شورای شهر تهران اقدام به تشکیل شورایی‌ها نموده‌اند. این شورایی‌ها در راستای آگاهی‌رساندن به شهروندان و همچنین تشویق و ترغیب آنان در قلمرو محلات شهری به همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله رسیدگی به کمبودها، مشکلات، خدمات‌رسانی و نظارت ایجاد می‌شوند و از لحاظ تشکیلاتی زیر نظر ستاد هماهنگی (متشکل از اعضای شورا) مشغول فعالیت هستند. "بر حسب آئین‌نامه‌های مصوب، شورایی‌ها، انجمن‌های غیر دولتی، غیرمتمرکز، غیرسیاسی، داوطلبانه، مشارکتی، خودگردان و اعضای آن افتخاری هستند. سازمان تشکیلاتی آن نیز شامل ارکان، شرح وظایف، نحوه انحلال، منشور اخلاقی، تفاهم‌نامه‌ها است. هر کدام از بخش‌های فوق دارای شرح وظایف معینی است و در حیطه مسئولیت خود و مستقل از نهادهای دولتی زیر نظر ستاد فعالیت می‌کنند." (غفاری و جمشیدزاده ۱۳۹۰)

بنابراین می‌توان چنین تصور نمود که با تشکیل نهادهای محلی و شورایی‌ها و اجرای وظایف و مسئولیت‌هایی که این نهادها برعهده دارند، می‌توان در راستای آگاه‌سازی شهروندان از حقوق شهروندی و تبدیل آنها به «شهروند فعال»، گام برداشت. از جمله مشکلاتی که امروزه شورایی‌ها با آنها مواجه‌اند، این است که به جای آگاهی‌رسانی به مردم و تشویق و ترغیب آنها به مشارکت در طرح‌های شهری، این نهادها اقدام به تشکیل کلاس‌های آموزشی مانند گلدوزی و خیاطی نموده‌اند و از اهداف اصلی خویش دور شده‌اند؛ که این موضوع خود نیازمند آسیب‌شناسی در پژوهشی جداگانه می‌باشد.

۳- نظارت بر مدیریت، از طریق شهروند فعال

حقیقت این است که یک مفهوم واحد و جهانی برای مفاهیم شهروندی و شهروندی فعال، وجود ندارد؛ یعنی باورها درباره آنچه شهروندی فعال فراهم می‌کند، به طور گسترده‌ای متفاوت است؛ بنابراین مفهوم شهروندی فعال تحت حمایت افرادی با ذهنیت‌های متفاوت قرار دارد؛ یعنی هر گروه براساس معیارهای متفاوت خود، فهم متفاوتی از این عقیده دارد. همان‌طور که گفتمان‌های فردگرایی لیبرال، جمهوری‌گرایی، اجتماع‌گرایی و گفتمان تأییدگرایی نیز هر یک فهم متفاوتی از شهروندی فعال دارند (Lawson, 2001). به طور کلی، شهروند فعال فردی است مشارکت‌جو که سرنوشت حیات شهر و محیطی که در آن زندگی می‌کند، برای او در سلسله‌مراتب ارزشی، جایگاه والایی داشته و تلاش می‌کند تا با مشارکت فعال و داوطلبانه خود، چنین سرنوشتی را بیش‌تر به سعادت و خوشبختی نزدیک کند. (قاسمی، ۱۳۸۶)

برنان (۲۰۰۶) شهروند فعال را این‌گونه توصیف می‌نماید: «شهروندی فعال معطوف به درگیرکردن مردم در فراگرد تصمیم‌گیری است؛ مردمی که فرصت پیدا می‌کنند تا در زمینه‌های برنامه‌ریزی و انجام خدمات عمومی سخن گویند و به ارتقای نتایج و خدمات بیاندیشند؛ در واقع شهروند بودن در کامل‌ترین معنای آن، باید موثر و فعال باشد. این موضوع به خواستی درونی بر می‌گردد که هم در مباحث سیاسی و هم در اعمال سیاسی مشارکت درگیر شویم.» (برنان، ۲۰۰۶)

تقاضا و مطالبات شهروندان از مدیریت شهری، معطوف به مقولات زیر است:

^۱ Government

^۲ Governance

استفاده از منابع شهری
تأثیرگذاری بیشتر بر سازوکار تصمیم گیری های شهری
فراهم شدن سازوکارها و ترتیبات نهادی برای تحقق بیشتر مشارکت شهروندی در زندگی شهری
تثبیت قانون مدارانه حقوق-وظایف متقابل شهروندان و مدیریت های شهری که شامل حکومت های محلی، حکومت های شهری، دولت های شهری، شوراهای شهری، مقامات اجرایی شهری و شهرداری ها می شود. (نک مان (۱۹۹۸)، ماسی و همکاران (۱۹۹۷)، کمبل و فاینشتاین (۱۹۹۷)).

مباحث مذکور در واقع بر شکل گیری رابطه میان شهروندان و شهرداری ها که اجرایی ترین نهاد مدیریت شهری هستند، تأثیر بسزایی دارد. "از جمله پیامدهای مثبت این رابطه که تقویت، قانون مند و عقلانی کردن رابطه شهروند-شهرداری برای طرفین رابطه و نیز مدیریت های شهری و بویژه شهرداری ها را در بر دارد می توان در موارد زیر اشاره کرد:" (کلانتری، ۱۳۹۴)

- ۱) بسط توانایی های شهروندان
 - ۲) تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری
 - ۳) تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و شهرداری
 - ۴) تقویت حس همکاری میان شهروندان، شهرداری و مدیران شهری
 - ۵) حل مشکلات شهری از طریق مشارکت شهروندان و شراکت با شهرداری
 - ۶) تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف-حقوق شهروندی و شهرداری.
- بنابراین زمانی که «شهروند» از طریق مشارکت در امور شهری بر مدیریت شهری نظارت داشته باشد، به «شهروند فعال» تبدیل شده است. شهروندی که می داند چه مسئولیت هایی دارد و چه حقوقی را مشمول می شود. شهروندی که نحوه مدیریت و اداره امور شهرش برایش مهم بوده و دخالت در تصمیم گیری های کلان شهری و شرکت در مباحث مهم شهری برایش تبدیل به ارزش شده است؛ آن زمان است که می تواند نظارتی جامع بر مدیریت شهری داشته باشد.

نتیجه گیری

«شهروندی» شکل پیشرفته «شهروند» می باشد. شهروند کسی است که عضو یک اجتماع باشد و دارای حقوق برابری، حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی و مشارکتی باشد. در پژوهش های مختلف میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و دخالت آنها در مدیریت شهری به عنوان شهروند فعال سنجیده شده است و مشخص گردیده که شهروندان از آگاهی اندکی از حقوق واقعی و کامل خویش برخوردارند. در این راستا نیاز است تا سطح آگاهی شهروندان از حقوق و مسئولیت های خویش بالا رود تا میزان مشارکت آنها در طرح های شهری و دخالت موثر آنها در اداره امور شهری افزایش یابد. این افزایش سطح آگاهی شهروندان، از وظایف شورای شهری است که به دلایل مختلف (از جمله عدم تکافوی تعداد اعضای شورای شهر در مقایسه با جمعیت شهر) نتوانسته اند در ارائه این مسئولیت خود کوشا باشند. به همین دلیل به تشکیل شورایی ها و نهادهای محلی اقدام نموده اند. شورایی ها انجمن های غیردولتی، غیرمتمرکز، غیرسیاسی، داوطلبانه، مشارکتی، خودگردان و اعضای آن افتخاری هستند. مهمترین وظایف آنها آگاه سازی شهروندان و تشویق و ترغیب آنها به همکاری و مشارکت در طرح ها و مباحث شهری می باشد.

می توان چنین تصور نمود که با تشکیل نهادهای محلی و شورایی ها و اجرای وظایف و مسئولیت هایی که این نهادها برعهده دارند، می توان در راستای آگاه سازی شهروندان از حقوق شهروندی و تبدیل آنها به «شهروند فعال»، گام برداشت. بنابراین «شهروند» از طریق مشارکت در امور شهری بر مدیریت شهری نظارت دارد، شهروندی که می داند چه مسئولیت هایی دارد و چه حقوقی را مشمول می شود، شهروندی که نحوه مدیریت و اداره امور شهرش برایش مهم بوده و دخالت در

تصمیم‌گیری‌های کلان شهری و شرکت در مباحث مهم شهری برایش تبدیل به ارزش شده باشد؛ آن زمان است که تبدیل به یک «شهروند فعال» شده است.

منابع و مآخذ

- ۱- آسایش، حسین و سید رحیم مشیری (۱۳۸۹)، روش شناسی و تکنیک های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا، تهران: نشر قومس، چاپ چهارم.
- ۲- آشوری، داریوش (۱۳۸۳)، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- ۳- پورعزت، علی اصغر و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمانها، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸: ۷-۴۰.
- ۴- ترکمان، فرح و سکینه بهمن پور (۱۳۸۷)، "نقش شهروندی" بر اساس کتابهای علوم اجتماعی دوره دبیرستان، فصلنامه علوم رفتاری، ۹-۲۹.
- ۵- حبیبی، سید محسن و هادی سعیدی رضوانی (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران. هنرهای زیبا، ۱۵-۲۴.
- ۶- خوئینی، غفور (۱۳۸۶)، حقوق شهروندی و توسعه پایدار، تهران: نشر فرهنگ صبا.
- ۷- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۹۲)، ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری، پژوهش‌های جغرافیا برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۱: ۵۹-۷۷.
- ۸- سعید نیا، احمد (۱۳۷۹)، مدیریت شهری، جلد یازدهم، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- ۹- شرفی، مرجان و همکاران (۱۳۸۷)، مشارکت مردمی در تهیه طرح‌های ساماندهی و توسعه محله‌ای نمونه موردی، محله امیرآباد-گلها، نامه معماری و شهرسازی.
- ۱۰- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴)، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، انتشارات علمی فرهنگی، سال اول، شماره ۱ یک.
- ۱۱- شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)، تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران: نگاهی به مدیریت شهری، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۳۳-۵۳، ۲.
- ۱۲- صرافی، مظهر و مجید عبدالهی (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳.
- ۱۳- فالكس، کیت (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- ۱۴- قاسمی، وحید و مهدی ژیانپور (۱۳۸۶)، مشارکت در امور شهری به مثابه حق و وظیفه شهروندی (مورد مطالعه: اصفهان و فرایبورگ) در کتاب مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۸۱-۱۹۵.
- ۱۵- قرخلو، مهدی و بهزاد عمران‌زاده (۱۳۸۴)، وضعیت حقوقی تعاملات دولت و شهرداری در ایران، نشریه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال سوم، شماره ۶ و ۷، ۴۹-۶۸.
- ۱۶- غفاری، غلامرضا و ابراهیم جمشید زاده (۱۳۹۰)، مشارکت های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت های مردمی)، تهران: فصلنامه مطالعات شهری (مدیریت شهری و شهر تهران - ۱).
- ۱۷- کامیار، غلامرضا (۱۳۸۷)، حقوق شهری و شهرسازی، چاپ سوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۱۸- کلانتری، عبدالحسین و روح الله فلاحي گیلانی (۱۳۹۴)، نوشتارهایی در باب مشارکت و حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، چاپ اول.
- ۱۹- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۲۰- لطفی، حیدر و همکاران (۱۳۸۸)، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره اول، ۱۰۱-۱۱۰.



- ۲۱- نجاتی حسینی، سید محمود(۱۳۸۰) جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری، ۵: ۷-۱۵.
- 22- Janoski, Thomas (1998), "Citizenship and civil society", Cambridge University, press.
- 23- Brannan, Tessa and others(2006) "Active citizenship and effective public services and programs: How can we know what really works?", Urban Studies, 43:5, 993 – 1008
- 24- Campbell and Feinstein(1997), "Readings in Urban Theory, Blackwell.
- 25- Creighton, James. L(2005), "The Public Participation Handbook: Making better Decisions Through Citizen Involvement", John Wiley & Son.
- 26- Friedmann, John. (2002), "the prospect of cities", Minneapolis: University of Minnesota Press. p 168.
- 27- Lawson, Helen (2001), "Active citizenship in schools and the community", Curriculum Journal, vol 12. No 2. 163-178
- 28- Mann. P. H (1998), " an Approach to Urban Sociology", RKP.
- 29- Marshal.T.H (1973)"citizenship and social class" chap in B.S. Turner. and P. HAMILTON. Citizenship, routledge.
- 30- Massey. D et al (1996), "City world", OUP.
- 31- Mushi. Samuual (1986), "institutionalization of popular participation in: participation in world development", Paris: unesco.
- 32- Ritzer, George (2005), "Encyclopedia of Social Theory", London: Sage Publication. P93
- 33- Turner. Bryan. S (2001), "The Erosion of citizenship", British journal of sociology.
- 34- Turner. Bryan. S (2006), "Global Sociology and the Nature of Rights", (In Societies without Borders), V 1.
- 35- Unesco. Declaration of the Rights of Man. 1789. Available at: <http://portal.unesco.org/ci/en/ev>. (2006)
- 36- Wang, XiaoHu, and Wan Wart. 2007. "When Public Participation in Administration." Public Administration Review 265-278.